

— فارغ التحصیل مجسمه سازی، تصویر سازی و گرافیک.
 — مدرس دانشگاه در حوزه‌ی گرافیک — تصویر سازی
 عکاسی — سینما و تلویزیون.
 — سرپرست گروه گرافیک دانشکده هنر دانشگاه آزاد اسلامی
 به مدت ۶ سال.
 — مشاور هنری و پژوهشی بسیاری از موسسات خصوصی و
 دولتی.

بهرام کلهر نیا سال هاست که در حوزه‌های گوناگون آموزشی
 و مراکز متفاوت به کار تدریس اشتغال داشته، از جمله سیستم
 های آموزشی منظم و پیوسته.
 و همچنین در مواردی نظری برنامه‌هایی که به تازگی از
 تلویزیون در چارچوب سخنرانی‌های پیوسته برای عوامل تولید
 ارایه شد. او معتقد است تمامی
 این فعالیت‌ها از جمله عرصه‌هایی بوده‌اند که پیرامون انتقال

نقد و تجزیه و تحلیل آثار هنری

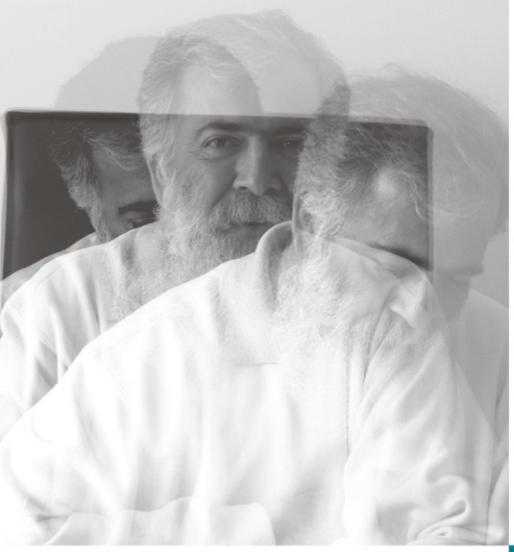
گفتگو با بهرام کلهر نیا

اطلاعات و سازمان دهی یک تفکر در ذهن مخاطب انجام
 شده‌اند.

من به نظام آموزشی پر تنوعی در ذهن مبتلا هستم و در واقع
 چه در یک نظام سیستماتیک پیوسته و سازماندهی شده که اندازی اش را دارم با کلاس استاد دیگری که برنامه دیگری
 دارای تقویم کاری با برنامه مشخص از ابتدا تا انتهای است و چه دارد دارای فصل مشترک تعريف شده نیست.
 در چارچوب آموش‌های موردنی و یا موضوعی که فردی در در واقع جزیره‌های آموزشی جداگانه ای تعريف شده اند که با
 اتکا بر استاد، برنامه و قابلیت‌های او شکل گرفته‌اند. شاید این نکته مشکلی در نظام آموزشی ویژه باشد که در آینده بایست
 را انجام دهد و یا صاحب تفکر و یا ایده ای شود. بنابراین، در جهت حل آن اقدام کرد.
 شاید ایجاد دوره‌های پیوسته ۱۸ ماهه که در آموش‌گاه ویژه
 نظرتان در مورد درخواست آموش‌گاه ویژه برای تدریس شما در حال برنامه ریزی است راه حل این مشکل باشد
 در مورد چگونگی برنامه ریزی درس مورد نظرتان صحبت

من در مقابل پیشنهاد آموش‌گاه ویژه تا حدی غافلگیر شدم کنید؟
 آقای فرهادی در گفتگویی که با هم داشتیم این گونه مطرح در نظام آموزش دانشگاهی، آموش‌هایی را در سطح
 کردن، که ما خواستار ارایه آموش‌هایی هستیم که در دانشگاه - دانشجویان کارشناسی ارشد داریم به نام نقد و تحلیل آثار
 ها ارایه نشده است. که ابته این گفته پرسش‌هایی را در ذهنم هنری و نقد و تحلیل ارتباط تصویری، که عموماً به نوعی
 به وجود آورد. چرا که از پیش می‌دانم که در نظام آموزشی وقت کشی و پا شوختی با دانشجویان است و ابته به جای نمی
 کشش، در رشته‌ی گرافیک چه گسسته‌های عجیبی وجود رسد. شخصاً در چند سال گذشته چنین آموزشی را در سطح
 دانشگاه به صورت پراکنده ارایه کرده‌ام. من کوشیدم تا یک دیدگاه تاریخی را به دانشجویان منتقل کنم تا متوجه شوند
 نخستین گسست این است که در واقع کسی که وارد این نظام اگر یک موضوع گرافیکی و یا یک نشان را نگاه می‌کنند، در
 آموشش می‌شود هنگام خروج به ادمی تبدیل می‌شود که به واقع یک پدیده متنزه از جهان بیرون رانمی‌بینند. بلکه یک
 درستی روشن نیست که چه کاره است! یعنی فارغ التحصیل پدیده داری ارتباطات زنده و پویا با تمام پروسه‌ی دک‌گونی -
 های تاریخی را می‌بینند. چراکه یک نشان یا یک پوستر از می‌شود بآنکه حرفاً شده باشد.

هر دانشجویی در جریان تحصیلاتش بر حسب قابلیت‌های دل یک جریان تحول و دک‌گونی بیرون آمده و دارای پیشینه
 فردی و مسیری که در آن قرار می‌گیرد می‌تواند به سوی یک و نشانه‌گانی است که آن را به مراجع و منابع متفاوتی متصل
 زندگی حرفاًی حرکت کند. ویا این که به عنوان مثال یک می‌کند. این درس در دانشگاه به خوبی ارایه نمی‌شود.
 زن خانه‌دار بشود! و یا یک آدم صاحب سلیقه و ابته گاهی به ساختار نقد و تجزیه و تحلیل آثار هنری از چه عناصری
 آدمی گیج تر از روز اول تبدیل شود.
 ما همواره می‌کوشیم تاساز و کارهای عملی موجود در زیر جلد
 از نظر شما علت این آشفتگی‌ها چیست؟



هر اثری را به بحث بگذاریم و ممکن است یک اثر کم و بیش بدهه سازی باشد. هر هنرمندی در جریان آفرینش اثر هنری بر حسب دوری و نزدیکی اش در وضعیت‌هایی، می‌تواند گرفتار بدهه سازی شود. نزد شاعر، موسیقیدان و نقاش، چنین خاصیتی بسیار زیاد است. طرح من بر اساس چه دلایلی باید به وجود باید و بر حسب چه ایده و مخاطبی، و به چه نتایجی باید برسد؟ اینها در واقع شیوه‌ی خردمندانه تفکر است. بیرون کشیدن این ساز و کار و اندیشه از خود اثر، بازگشت مجدد به روز اول اثر به وسیله‌ی توضیح و تفسیر اتفاق بسیار جالبی است. همچون راز گشایی یک طلس!

سرفصل‌های اصلی دوره مورد اشاره شما شامل چه چیزهایی است؟

در حقیقت خود را مکلف می‌دانم که عنوان‌های متنوعی را تدارک بینم. از جمله اینکه اصولاً نقد چیست؟ ضرورت نقد از چه چیزهایی ناشی می‌شود؟ چرا نیازمند نقد هستیم؟ نقد یک ابزار است مثل یک قاشق یا چنگال. می‌توان از آن بهره گرفت و یا اینکه با دست غذا خورد! اما حذف ابزار هرگز به مفهوم سرعت بخشیدن به خورد و خوراک نیست. بلکه به منزله‌ی پلشت خوری است. زشت و نابهنجار خوردن است. در حالی که وقتی ابزار را به درستی انتخاب کنیم اتفاق درست روی می‌دهد. و بهره مندی‌های انسانی کامل تر می‌شوند.

در هر صورت ضرورت نقد توضیح داده خواهد شد. و اینکه نقد نقد چه چیزی است. همچنین به بررسی اختلاف خود نقد نقد چه چیزی است. همچون راست می‌دانم که این میان میان گام به گام به نمونه‌های متفاوت ارتباط تصویری باز طریق سایر عوامل هنری همچون سینما، نقاشی و سایر پدیده‌ها وارد شده و آنها را به تحلیل‌های مناسب برای دانشجویان تبدیل خواهم کرد. دست آخر اینکه هنرجو

بخشی از این آشفتگی‌ها به دلیل نبود یک ساز و کار پیوسته، سازمان دهی شده در نظام دانشگاهی است. حال ما می‌خواهیم این گونه آدمها را در اینجا تحويل گرفته، و کاری را با آنها انجام دهیم که در آنجا انجام نشده. کاری که تقریباً شدنی نیست. یعنی باز هم در نوع نگاه موجود، گسست دیگری به وجود خواهد آمد.

نقش آموش‌گاه ویژه را در رابطه با حل این مشکل چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با شناختی که از مجموعه‌ی دوستان مدرس و برنامه ریزی و مدیریت آموش‌گاه ویژه دارم، تصور می‌کنم که ویژه به دنبال این است که بر حسب طرفیت اختصاصی هر یک از استادانی که در سطح مختلف به کار مشغولند، از قابلیت‌های هنری اینان برای ارتقای سطح مهارت فکری و مهارت عملی هنرجویان استفاده کند. که ابته به خودی خود بسیار کار سودمندی است. ما در نظام آموش‌گاه دانشگاهی به دنبال این هستیم که مهارت به وجود آوریم. سواد پیوسته‌ی تئوریک ایجاد کنیم،

در جنس اندیشه و تفکر تحول ایجاد کنیم و زیبایی شناسی مخاطب را تغییر دهیم. و بسیاری چیزهای دیگر که اینها اهداف واقعی برای نظام آموش‌گاه ویژه در سطح دانشگاه است. اما

چرا کلاسی از بندۀ قصد راه چه در یک نظام سیستماتیک پیوسته و سازماندهی شده که اندازی اش را دارم با کلاس استاد دیگری که برینامه دیگری در چارچوب آموش‌های موردنی و یا موضوعی که فردی در در واقع جزیره‌های آموزشی جدأگانه ای تعريف شده اند که با اتکا بر استاد، برنامه و قابلیت‌های او شکل گرفته‌اند. شاید این می‌بایست به او مقداری اطلاعات و مهارت داد تا بتواند کاری نکته مشکلی در نظام آموش‌گاه ویژه باشد که در آینده بایست را انجام دهد و یا صاحب تفکر و یا ایده ای شود. بنابراین، در آموش‌گاه ویژه

نظرتان در مورد درخواست آموش‌گاه ویژه برای تدریس شما در حال برنامه ریزی است راه حل این مشکل باشد

چیست؟

آقای فرهادی در گفتگویی که با هم داشتیم این گونه مطرح در نظام آموزش دانشگاهی، آموش‌هایی را در سطح کردن، که ما خواستار ارایه آموش‌هایی هستیم که در دانشگاه - دانشجویان کارشناسی ارشد داریم به نام نقد و تحلیل آثار ها ارایه نشده است. که ابته این گفته پرسش‌هایی را در ذهنم هنری و نقد و تحلیل ارتباط تصویری، که عموماً به نوعی به وجود آورد. چرا که از پیش می‌دانم که در نظام آموزشی وقت کشی و پا شوختی با دانشجویان است و ابته به جای نمی‌کشش، در رشته‌ی گرافیک چه گسسته‌های عجیبی وجود رسد. شخصاً در چند سال گذشته چنین آموزشی را در سطح دانشگاه به صورت پراکنده ارایه کرده‌ام. من کوشیدم تا یک دیدگاه تاریخی را به دانشجویان منتقل کنم تا متوجه شوند

در مورد این گسسته‌ها توضیح بیشتری ارایه کنید؟
 نخستین گسست این است که در واقع کسی که وارد این نظام اگر یک موضوع گرافیکی و یا یک نشان را نگاه می‌کنند، در آموشش می‌شود هنگام خروج به ادمی تبدیل می‌شود که به واقع یک پدیده متنزه از جهان بیرون رانمی‌بینند. بلکه یک درستی روشن نیست که چه کاره است! یعنی فارغ التحصیل پدیده داری ارتباطات زنده و پویا با تمام پروسه‌ی دک‌گونی - های تاریخی را می‌بینند. چراکه یک نشان یا یک پوستر از می‌شود بآنکه حرفاً شده باشد.

هر دانشجویی در جریان تحصیلاتش بر حسب قابلیت‌های دل یک جریان تحول و دک‌گونی بیرون آمده و دارای پیشینه فردی و مسیری که در آن قرار می‌گیرد می‌تواند به سوی یک و نشانه‌گانی است که آن را به مراجع و منابع متفاوتی متصل زندگی حرفاًی حرکت کند. ویا این که به عنوان مثال یک می‌کند. این درس در دانشگاه به خوبی ارایه نمی‌شود. زن خانه‌دار بشود! و یا یک آدم صاحب سلیقه و ابته گاهی به ساختار نقد و تجزیه و تحلیل آثار هنری از چه عناصری تشکیل شده و اساساً چگونه شکل می‌گیرد؟
 ما همواره می‌کوشیم تاساز و کارهای عملی موجود در زیر جلد

از نظر شما علت این آشفتگی‌ها چیست؟